

تبیین رابطه هویت مذهبی و موقعیت اجتماعی با احساس طرد اجتماعی در بین دو گروه دانشجویان شیعه و سُنی

(مطالعه موردی: دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران)

مهناز کرمی^۱، مریم قاضی‌نژاد^۲، منصوره اعظم‌آزاده^۳

شناسه پژوهشگر (آرکید): ۹۶۵۷-۴۱۳۷-۰۰۰۰-۰۰۰۰

شناسه پژوهشگر (آرکید): ۹۵۶X-۲۵۶۳-۰۰۰۰-۰۰۰۰

شناسه پژوهشگر (آرکید): ۸۷۸۳-۲۹۱۸-۰۰۰۰-۰۰۰۰

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین رابطه هویت مذهبی و احساس طرد اجتماعی با در نظر گرفتن متغیر واسطه موقعیت اجتماعی در میان دو گروه دانشجویان شیعه و سُنی و بهره‌گیری از سه رویکرد نظری همبستگی، تخصصی‌سازی و انحصاری و نیز نظریه‌های دورکیم، مارکس، وبر، گیدنز، جیبرون، بوردیو و زیبرا انجام شده است. نمونه آماری شامل ۲۶۹ نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشکده‌های علوم اجتماعی سه دانشگاه علامه طباطبائی، تهران و شهید بهشتی بوده است. یافته‌ها نشان داد که متغیرهای هویت مذهبی و قومیت رابطه مستقیم و متغیر موقعیت اجتماعی رابطه معکوسی با احساس طرد اجتماعی دارند. همچنین متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیونی چندمتغیره، توانسته‌اند بیش از یک‌سوم از واریانس تغییرات مربوط به احساس طرد اجتماعی در بین دانشجویان را تبیین کنند. بر این اساس می‌توان گفت که موقعیت اجتماعی متفاوت عامل مهمی برای بروز احساس طرد اجتماعی در میان گروه‌های اجتماعی مختلف است و در صورت وجود فرصت‌های برابر در جامعه برای تمامی گروه‌های اجتماعی، احساس نابرابری و طردشدگی در میان آنان کاهش می‌یابد.

واژگان کلیدی: هویت قومی، هویت مذهبی، موقعیت اجتماعی، احساس طرد اجتماعی، شیعه، سُنی.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی، دانشگاه الزهرا (نویسنده مسئول)/mhnz67@gmail.com

۲. دانشیار جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا/Maghazinejad@yahoo.com

۳. دانشیار جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا/maazadeh@gmail.com



مقاله علمی پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۶

دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال چهاردهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص ۲۶۰-۲۲۷

۱. مقدمه و بیان مسئله

ناهمگونی قومی و مذهبی تقریباً در همه کشورهای قاره‌های جهان وجود دارد. اخیراً بسیاری از محققان به موضوع داغ تنوع قومی و تأثیرات آن بر درگیری‌های اجتماعی و جنگ‌های داخلی پرداخته‌اند (Amin, 2018: 3). در درون جوامع دارای تنوع قومی، محیط‌های فرهنگی گوناگون و سطوح تعلقی متفاوت است. ناسازگاری‌های فرهنگی، آغاز مجموعه گسترده‌ای از مشکلات اجتماعی است که تبلور آن را می‌توان در ناهنجاری‌های ارزشی، نگرشی و رفتاری مشاهده کرد. این ناسازگاری‌ها به‌ویژه از آن‌رو تقویت می‌شوند که الگوهای استناد که در ابتدا گروه‌های محلی و قومی بودند و اساس رفتارها را تشکیل می‌دادند، دچار دگرگونی شده و در ترکیب خود با الگوهای جدید، چه در سطوح متفاوت ارزش‌های جدید اجتماعی ایجاد اشکال پیوندی می‌کنند که در بسیاری موارد آن‌ها را می‌توان به‌صورت اثرات سوء هویتی-اجتماعی مشاهده کرد (فکوهی، ۱۳۸۹: ۱۳۸).

از دهه‌های پایانی قرن بیستم، شاهد ظهور و گسترش سازه‌ی مطروdit اجتماعی به‌عنوان رویکردی پویا و چندبُعدی هستیم که به‌مرور جایگزین مفهوم کلاسیک فقر در حوزه مسائل اجتماعی، به‌ویژه در کشورهای پیشرفته، شده است. این رویکرد از حیث نظری و عملی به یکی از مباحث کانونی و محوری سیاست اجتماعی تبدیل شده و با توسعه و تعمیق روزافزون فرایند جهانی شدن و توجه به توسعه انسانی و اجتماعی متوازن اهمیت بیشتری یافته است؛ به‌گونه‌ای که به‌مثابه مسئله‌ای اجتماعی با متغیرهایی چون مصرف، بیکاری، انزوای اجتماعی، فقر درآمدی و قابلیت در مقیاس‌های محلی، منطقه‌ای و ملی، در بین طبقات و گروه‌های قومی و فرهنگی بررسی شده است (غفاری و امیدی، ۱۳۸۹: ۵-۶). مطروdit اجتماعی یک فرایند است نه یک وضعیت؛ بنابراین در زمان‌های مختلف و بسته به تحصیلات، ویژگی‌های جمعیتی، تبعیض‌های اجتماعی، رویه‌های کاری و سیاست‌های عمومی، جنسیت و...، مرزهای آن تغییر می‌کند (کاستلز، ۱۳۸۲: ۹۳).

به‌رغم این‌که می‌توان مدعی شد طردشدگی اجتماعی همواره در جوامع وجود داشته است، نمی‌توان از تأمل در چرایی آن چشم‌پوشی کرد. محور بروز طردشدگی اجتماعی، امری متفاوت است، یعنی همسان‌نبودن با گروه یا گروه‌های جمعیتی مسلط، غالب و صاحب قدرت. متفاوت‌بودن در موارد بسیار، به گروه‌هایی از جامعه جایگاه فرودستی می‌دهد. یک گروه جمعیتی ممکن است به دلایل غیراقتسابی و در بسیاری از موارد ناخواسته، از قبیل جنس، قومیت، مذهب، سن، بیماری و طبقه اجتماعی، در حاشیه گروه‌های اکثریت و مسلط قرار گیرد، طرد شود و به‌عنوان فرودست تعریف شود (شاه‌آبادی و بلغوریان، ۱۳۹۳: ۲۶۶).

همچنین در بسیاری موارد عوامل انتسابی سبب جدایی و کناره‌گیری افراد از گروه و جامعه بزرگ‌تر و به سخن دقیق‌تر طرد اجتماعی آن‌ها و ترک صحنه رقابت-همکاری اجتماعی و عدم مطالبه حقوق مدنی، اقتصادی و اجتماعی‌اند. نابرابری با سلب دسترسی برابر به فرصت‌های آموزشی، اشتغال، سلامت و غیره، باعث فقر اقتصادی و درآمدی و ضعف قابلیت‌های انسانی و تشدید مسائل اجتماعی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که امروزه از سویی آمار طلاق، اعتیاد، تورم، انواع جرم و فاصله طبقاتی رو به فزونی دارد و از سوی دیگر قدرت خرید، روابط همسایگی، سلامت جسمانی و روحی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی رو به کاهش دارد.

در همین راستا اگر از منظر خاص نگریده شود به وضوح می توان دید شدت و شکل مسائل و آسیب های اجتماعی در افراد و گروه ها متفاوت است و برخی گروه های سنی، جنسی، مذهبی، قومیتی و یا مهاجر بیشتر لبه پرتگاه آسیب های اجتماعی ناشی از نابرابری های اجتماعی اقتصادی قرار دارند (حمیدیان و دیگران، ۱۳۹۴: ۲).

ایران نیز به عنوان کشور و جامعه ای که در آن تنوعات دینی و مذهبی و قومی و غیره زیاد است، از امر طرد اجتماعی و بیش از آن احساس طردشدگی مستثنا نیست و به رغم تلاش های صورت گرفته و سیاست گذاری هایی که در زمینه قوانین و مقررات برای این دسته از جمعیت صورت گرفته است، این افراد (اقلیت ها) خود را یک شهروند عادی تلقی نمی کنند و تعاملات شهروندی عادی را ندارند و به همین سبب چون خود را شهروند درجه دو می دانند، در سازمان و نظام اجتماعی تهدیدزا هستند و از نقاط قطع اتصال اساسی به جامعه و افراد، برای خود و جامعه شان آسیبزا هستند.

برخی از مردم و گروه های اجتماعی، ممکن است مطرو دیت و طردشدگی اجتماعی را فقط در حوزه کار و شغل تجربه کنند، اما بسیاری آن را در عرصه های وسیع تر مانند اشتغال، آموزش، مسکن و نیز در سیاست تجربه می کنند. آنچه در یک حوزه برای مطرودان اتفاق می افتد، به ندرت از سایر حوزه ها جدا می ماند. در عوض، این اثرات به یکدیگر وارد می شوند و یکدیگر را تقویت می کنند، رفتارهای فردی را تغییر می دهند و عواقبی برای آینده دارند. هنگامی که افراد یا جوامع در چندین بُعد کنار گذاشته می شوند، اثرات طردشدن در یک بُعد به ابعاد دیگر وارد می شود و متقابلاً یکدیگر را تقویت و آسیب ها را تشدید می کنند (براجیچ، ۲۰۲۲: ۱۰۴۶).

خصلت دنیای امروز، طرد و رد عقاید و نگرش های یکپارچه و یکدست یعنی ذره های بنیادی نظام های فکری-فرهنگی درختی شکل سنتی است. در عوض اندیشه سیار، باروری متقابل فرهنگ ها را ارج می نهد. ویژگی فرهنگی متجدد، اختلاط فرهنگی در تقابل با دل بستگی متحجرانه و در خود فرو رفته به قوم و قبیله است (شایگان، ۱۳۸۰: ۱۵). بر این اساس می توان گفت، مسئله طرد و به انزوا کشیده شدن گروه های اقلیتی، از مسائل اجتناب ناپذیری است که در جوامع مختلف بنا به دلایل گوناگون وجود دارد. این دلایل می توانند از مشکلات عینی که برای برخی گروه ها در جامعه وجود دارند، از قبیل کمبود منابع و امکانات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در اختیار آن ها و یا فاصله وضعیت کنونی با وضعیت مورد انتظار آن های برای زندگی و موقعیتشان در جامعه ایجاد شود. همچنین حس برابری یکی از ویژگی های اساسی و مهم شهروندی است؛ در بیشتر دولت ها عملاً شماری از گروه ها احساس می کنند که شهروندان درجه دوم هستند (حاجیان، ۱۳۸۰: ۱۴۰). بسیاری از دولت ها در درون خود اقلیت های اجتماعی را از بسیاری منابع اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و غیره محروم می کنند. از آنجاکه این طرد برای جامعه هزینه سنگینی در بر دارد، مطالعه و بررسی آن حائز اهمیت بسیار است.

در جامعه ایران محققین مسائل قومی، ضمن اذعان به وجود فاصله های قومی در مناطق کردنشین کشور، به این مسئله اشاره کرده اند که استان کردستان در سال ۱۳۷۵ یکی از محروم ترین استان ها در ایران است و از نظر محرومیت و توسعه نیافتگی، رتبه هشتم را در بین استان های کشور داشته است.

در همین راستا، محققان اجتماعی با توجه به مطالعات متأخر در زمینه محرومیت در مرکز کشور (تهران)، گروه‌های مختلفی را جزو طردشدگان به حساب آورده‌اند که اقلیت‌های مذهبی نیز جزو این گروه‌ها محسوب می‌شوند. به طوری که مثلاً در هیچ‌یک از تبلیغات انتخاباتی، گروه‌های در معرض طرد (نظیر کودکان، سالخورده‌گان، معلولان، اقلیت‌های قومی و مذهبی و...) نه تنها مورد توجه داوطلبان ورود به مجلس قرار نگرفته‌اند، بلکه بعدها نیز حزب پیروز انتخابات، در اهداف و برنامه‌های خود ذکری از گروه‌های یادشده، به ویژه اقلیت‌های قومی-مذهبی، به میان نیاورده است (عبداللهی و قادرزاده، ۱۳۸۳). همچنین بر اساس تحقیقات راجع به رابطه قومیت، مذهب و فرصت‌های شغلی، در جامعه ما افراد گُرد اهل تسنن نسبت به افراد غیرگُرد اهل تشیع به صورت نابرابری به فرصت‌های شغلی دست پیدا می‌کنند (محمدی، ۱۳۹۶).

برخی محققان نیز در بررسی زمینه‌های واگرایی فرهنگی و خشونت سیاسی در میان اهالی سُنی مذهب بلوچستان، کردستان و ترکمن‌صحرای ایران بیان داشته‌اند که اقلیت سُنی مذهب ایرانی در موقعیت واگرایی قرار گرفته‌اند که بنا به خواش ایشان، از یک طرف با احساس طردشدگی از جانب دولت مرکزی و از طرف دیگر با طردکردن دولت مرکزی و احساس بی‌اعتمادی به ایشان همراه است (محمودزاده و رضایی، ۱۳۹۰).

طرد اجتماعی یکی از مهم‌ترین مسائل و مشکلات هر جامعه است و بسیاری از مشکلات و مسائل ریشه در آن دارند. فقر و فشارهای روانی از پیامدهای جزئی و فرعی آن و فساد و تبهکاری و خشونت از پیامدهای اصلی آن هستند و هریک از این‌ها تهدیدی برای بقا و دوام یک جامعه و نظم اجتماعی آن به شمار می‌روند (طهماسبی و دیگران، ۱۳۹۱: ۷۷). مفهوم و رویکرد جدید طرد و شمول اجتماعی، توجه محققان مسائل اجتماعی را به طیف وسیع عواملی جلب می‌کند که افراد و گروه‌های محروم از جمله اقلیت‌های قومی و مذهبی را از داشتن فرصت‌هایی که پیش روی اکثریت جمعیت است، باز می‌دارد. به بیان دیگر، نابرابری در توزیع فرصت‌ها و منابع، محرومیت از مشارکت کامل در جامعه را برای گروه‌های مطرود در پی دارد و این مسئله سبب ایجاد احساس طرد اجتماعی در میان اعضای گروه‌های مذکور می‌گردد.

از آنجاکه طرد، فقط به محرومیت مالی نسبی فقرا نمی‌پردازد، بلکه فرایندهای گسترده‌تر منزوی شدن، جدا افتادن و مشارکت محدود در فعالیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را نیز مدنظر قرار می‌دهد، توانسته در مباحث مربوط به اقلیت‌های قومی و مذهبی نیز وارد شود. از سوی دیگر، گرچه در هر جامعه‌ای دسترسی و تأمین امکانات و منابع پایه و ضروری مدنظر سیاست‌گذاران و مجریان کلان بوده و هست، اما احساس رضایت افراد و گروه‌های مختلف جامعه نسبت به شرایط، برخورداری‌ها و موقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی‌شان، به معیارهای عینی و ذهنی متفاوتی بستگی دارد که بر اساس شاخص‌ها و ابعاد مختلفی مانند میزان و نحوه ارتباطات اجتماعی، شرایط مادی و مقایسه وضعیت خود با دیگران متعلق به گروه اکثریت، ارزیابی می‌شود.

بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش این است که آیا و تا چه حد، هویت قومی-مذهبی گروه‌های اقلیت، از طریق ساخت موقعیت خاص و ایجاد فاصله اجتماعی احتمالی بین آنان و اکثریت مسلط در جامعه، به ایجاد یا افزایش احساس طردشدگی در میان گروه‌های مختلف جمعیت اقلیت (از جمله زنان، کودکان، جوانان، دانشجویان و غیره) و آسیب‌زایی احتمالی برای خود آنان و کلیت جامعه می‌انجامد.

اهمیت پرداختن به مسئله طرد اجتماعی اقلیت‌های قومی-مذهبی در جامعه ما به‌ویژه در میان نسل‌های جوان و تحصیل‌کرده آنان بدین خاطر است که علی‌رغم تلاش آنان برای استفاده از فرصت‌های در دسترس، رشد قابلیت‌ها و توانمندی‌ها و دستیابی به موقعیت‌های اجتماعی اقتصادی برتر، به نظر نمی‌رسد تحصیل‌کردگان دانشگاهی اقلیت‌های قومی از جمله قوم کرد، نگرش و ارزیابی مثبتی از موقعیت فعلی و آتی خود در مقایسه با همتایان‌شان در جمعیت اکثریت داشته باشند.

۲. پیشینه تجربی

از میان پژوهش‌های داخلی در زمینه طرد اجتماعی، چهار مورد وجود دارد که با توجه به هدف پژوهش مبنی بر تبیین رابطه هویت قومی با احساس طرد اجتماعی، با این تحقیق ارتباط نزدیکی دارند. عبداللهی و قادرزاده در سال ۱۳۸۳ در پژوهشی با عنوان «فاصله قومی و عوامل مؤثر بر آن در ایران» به بررسی میزان فاصله اجتماعی ساکنان شهر بانه با اقوام ایرانی و عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند. در این پژوهش، منظور از فاصله اجتماعی، گرایش اعضای یک قوم به پذیرش یا طرد اعضای اقوام دیگر است. در اجرای این تحقیق از روش پیمایش استفاده شده است. یافته‌های حاصل از این تحقیق ناکافی بودن رویکردهای مبتنی بر جامعه‌شناسی خُرد را در مطالعه و بررسی فاصله قومی در ایران نشان داد. با توجه به این‌که مسئله فاصله قومی و به تبع آن تعاملات اقوام در ایران، متأثر از فضای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور و تحولات تاریخی مرتبط با آن است، توجه به دیدگاه‌ها و نظریه‌های سطح کلان نظیر نظریه استعمار داخلی مایکل هشترا^۱ که بر متغیرهایی نظیر میزان محرومیت، میزان تبعیض و نابرابری‌های اقتصادی در بین اقوام در شکل‌گیری هویت و بسیج قومی تأکید دارد و تلفیق آن‌ها با نظریه‌های سطح خُرد، ضروری به نظر می‌رسد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که مسئله فاصله اجتماعی بین اقوام در ایران وجود دارد و لذا اهمیت و ضرورت اتخاذ و تدوین سیاست قومی مناسب در ایران در جهت کاهش این فاصله‌ها مورد توجه و تأکید خاص گرفته است.

نواح و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی «قومیت و احساس طرد اجتماعی»، به بررسی احساس طرد و مخاطرات آن در میان قوم عرب شهرستان اهواز پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان‌دهنده ارتباط معنادار سن، جنس و تحصیلات با احساس طرد بوده است. متغیرهای جامعه‌پذیری، همبستگی و هنجارهای قومی رابطه معکوس و متغیر تبعیض قومی رابطه مستقیم با احساس طرد اجتماعی داشت.

در زمینه طرد اجتماعی، حمیدیان، زاهدی، ملکی و انصاری (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی و طرد اجتماعی گروه‌ها در کلان‌شهر اصفهان» به سنجش و تبیین وضعیت طرد/ادغام گروه‌های هویتی قومی کلان‌شهر اصفهان در پیوند با دسترسی به فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی و در مقایسه با ساکنان بومی برابری اجتماعی، پرداخته‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان داد که همه گروه‌ها دسترسی یکسانی به منابع ندارند و برخی گروه‌ها تبعیض اجتماعی بیشتر و طرد

1. Michael Hechter' internal colonisism theory

اجتماعی به مراتب شدیدتری را تجربه می‌کنند و بین برابری اجتماعی، دسترسی به منابع و ادغام اجتماعی رابطه مثبتی وجود دارد.

اکبرنیا و قاضی‌نژاد (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «دین‌داری: مدارای اجتماعی یا فاصله اجتماعی»، به بررسی رابطه دین‌داری با فاصله اجتماعی در میان ۲۰۴ نفر از مسلمانان و مسیحیان شهر تهران، با تأکید بر مدارای اجتماعی پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که بین میزان دین‌داری و فاصله اجتماعی مسلمانان و مسیحیان، رابطه مستقیم و میان مدارای اجتماعی و فاصله اجتماعی، رابطه معکوس برقرار است. همچنین بر اساس آزمون رگرسیون، متغیر واسطه‌ای مدارای اجتماعی بیشترین تأثیر را بر فاصله اجتماعی دارد و پس از آن دین‌داری و نوع دین، متغیرهای تأثیرگذار بر فاصله اجتماعی هستند. در مجموع، متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون این تحقیق (نوع دین، دین‌داری و مدارای اجتماعی)، ۴۹ درصد از تغییرات متغیر فاصله اجتماعی را تبیین کردند.

از میان پژوهش‌های خارجی نیز می‌توان به دو مورد اشاره کرد که با تحقیق حاضر ارتباط دارند. بلنی^۱ و آمبرسیو^۲ (۲۰۱۱) با عنوان «محرومیت، طرد اجتماعی و رفاه ذهنی» به این نکته اشاره داشته‌اند که محرومیت و طرد اجتماعی به مفهوم کلیدی در بحث‌های سیاسی اروپا تبدیل شده و رضایت از زندگی و رفاه ذهنی را تحت تأثیر قرار داده است. نتایج این پژوهش نشان داد که بررسی رفاه ذهنی ذاتاً چندبُعدی است و طرد اجتماعی نیز با بررسی فقر و محرومیت به عنوان یک مسئله چندبُعدی شناخته شده است و از آنجاکه شادی یک امر ذهنی است، با توجه به رویکردهای طرد بهتر سنجیده می‌شود. در نتیجه رضایت از زندگی به طور قابل توجهی با درآمد و همچنین وضعیت تأهل، تحصیلات، میزان ارتباطات و وضعیت بازار کار ارتباط دارد. روی هم رفته، نتایج این پژوهش نشان داد که رضایت از زندگی نه تنها با کاهش درآمد کاهش می‌یابد، بلکه با افزایش طرد هم کاهش می‌یابد. این موضوع برای اندازه‌گیری‌های رفاه فردی اهمیت دارد؛ زیرا شادی به صورت منحصر به فرد با توزیع درآمد در ارتباط نیست، بلکه با شاخص‌های چندبُعدی دیگری مثل محرومیت اجتماعی قابل سنجش است.

رایت^۳ و استیکلی^۴ (۲۰۱۳) نیز در پژوهشی با عنوان «مفاهیم شمول اجتماعی، طرد و سلامت روانی: مروری بر ادبیات بین‌المللی»، طرد اجتماعی را با مفاهیم و مسائل گسترده‌ای مانند فقر، نبود آموزش و پرورش، معلولیت و مواجهه با مشکلات روحی و روانی تعریف کرده‌اند. همچنین این پژوهش طرد اجتماعی را با گروهی تعریف نموده‌اند که اجتماع ناسازگار داشته‌اند، از جریان اصلی جامعه دور بوده‌اند و دچار انواع بیماری‌های روانی (با مشخصه‌هایی چون اقدام به خودکشی یا رفتارهای ضد اجتماعی) شده‌اند. از طرفی این پژوهش اشاره به گروهی دارد که به علت برچسب خوردن از حضور در اجتماع حذف شده‌اند و مشکلاتی مانند بیکاری، مهارت‌های ضعیف، درآمد کم، مسکن نامناسب، بالابودن جرم و جنایت در

1. Bellani

2. Ambrosio

3. Wright

4. Stickley

محیط محل سکونت، بهداشت نامناسب و فروپاشی خانواده داشتند. هدف از این بررسی تجزیه و تحلیل ادبیات مربوط به شمول اجتماعی و طرد اجتماعی در رابطه با سلامت روان بوده است. بدین منظور ۳۶ مقاله از کشورهای انگلستان، کانادا، استرالیا و اسکاتلند با استفاده از روش تجربی و نظری در مورد ادبیات شمول اجتماعی، طرد و سلامت روان بررسی شده‌اند.

بررسی ادبیات موجود نشان داده است، ورود به اجتماع برای مراقبت و درمان از افرادی که دچار بیماری روانی شده‌اند، یک ایده ناب و ساده نیست، بلکه با گفتمان‌های سیاسی و حرفه‌ای گره خورده است. این در حالی است که متخصصین معتقدند برای بازگرداندن سلامت این افراد، ورود به اجتماع نقش مهمی در کمک به آن‌ها دارد و از آنجاکه ویژگی افراد دارای مشکل روحی و روانی انگشت‌نما و طرد شدن است، در نتیجه برای تبدیل آن‌ها به شرکت‌کنندگان کامل در جامعه، باید این برچسب از ایشان حذف شود. نتایج نشان داد بین طرد، نابرابری و بی‌عدالتی رابطه وجود دارد و ارتباط این مفاهیم با سیاست سلامت روان فعلی و آینده مورد سؤال است.

۳. چهارچوب نظری

مسئله این تحقیق، بررسی رابطه هویت قومی-مذهبی با احساس طرد اجتماعی اقلیت‌های مذهبی است، از این‌رو نظریه‌های حوزه طرد اجتماعی، مورد توجه است و با استفاده از برآیند دیدگاه‌های مذکور و تحقیقات پژوهشگران مربوط، به رابطه میان هویت قومی مذهبی با احساس طرد اجتماعی پرداخته شده است.

در زمینه طرد اجتماعی، سه رویکرد وجود دارد. نخستین رویکرد، «پارادایم همبستگی» است. با توجه به این پارادایم، اساس طرد اجتماعی تفاوت و مغایرت ارزش‌ها و هنجارهای فرد و گروه‌ها از فرهنگ مسلط است و زمانی که این تفاوت‌ها در زمینه فرهنگ مسلط قابل اغماض نباشد، مبنایی برای سلب صلاحیت اجتماعی افراد و گروه‌ها فراهم می‌آورد و روابط بین افراد و جوامعی که در آن زندگی می‌کنند را نقض و قطع می‌نماید (غفاری و تاج‌الدین، ۱۳۸۴). در واقع تفاوت ارزش‌ها و هنجارهای فرد و گروه‌ها از فرهنگ مسلط باعث گسیختگی روابط اجتماعی بین فرد و جامعه می‌شود و احساس طرد اجتماعی را در میان برخی گروه‌ها در جامعه ایجاد می‌نماید.

همچنین طبق «رویکرد تخصصی‌سازی»، طرد نتیجه‌ای از تخصص‌گرایی است و زمانی پدید می‌آید که جامعه دچار تمایز ناکافی و ناپسند قلمروهای اجتماعی شده باشد و تنظیمات و مقررات نامناسبی برای یک عرصه معین به کار بندد یا موانعی را برای حرکت و مبادله آزاد در یک عرصه یا میان عرصه‌های مختلف اعمال کند. به بیان دیگر، تخصص‌گرایی با ایجاد مرزبندی‌های گروهی، مشارکت آزادانه را از افراد سلب می‌کند و از این‌رو در آن‌ها احساس طرد اجتماعی را به وجود می‌آورد (سیلور، ۱۹۹۴). مطابق با این رویکرد دو نوع طرد وجود دارد. یکی طرد تحمیلی به واسطه عدم قابلیت و شکست در فعالیت‌های بازار و سایر عرصه‌های حیات اجتماعی و دیگری طرد ارادی که فرد از روی اختیار با جامعه قطع رابطه می‌کند (غفاری و تاج‌الدین، ۱۳۸۴).

رویکرد سوم نیز «رویکرد انحصاری» است که مطابق آن طرد به عنوان نتیجه تشکیل انحصار گروهی و ناشی از اثر متقابل طبقه، پایگاه و قدرت سیاسی در نظر گرفته می شود و در خدمت منافع مشمولین است. انحصار اجتماعی هنگامی به دست می آید که سازمان ها و امتیازات فرهنگی نه تنها مرزبندی هایی را ایجاد کنند، بلکه از ورود دیگران علی رغم خواست خودشان جلوگیری کنند و نابرابری را همیشگی و جاودانه می سازند. آن ها درون موجودیت های اجتماعی محدود، از انحصار منابع کمیاب بهره مند می شوند. انحصار، حدود مرزی از منافع مشترک بین خودی هایی که در غیر این صورت نابرابر بودند، ایجاد می کند؛ بنابراین مطرودان هم زمان بیگانه و تحت سلطه اند. مرزبندی های ویژه ای از طرد ممکن است درون یا بین دولت-ملت ها، مکان های جغرافیایی، شرکت ها و مؤسسات یا گروه های اجتماعی ترسیم گردد. هم پوشانی یا انطباق تمایزات گروهی با نابرابری، محور اصلی این رویکرد است. طبق این رویکرد، از طریق حقوق شهروندی، گسترش عضویت برابر و مشارکت کامل بیگانگان (غیرخودی ها) در اجتماع، می توان با طرد مبارزه کرد (سیلور، ۱۹۹۴). به عبارت دیگر، کنش و تأثیر متقابل طبقه، پایگاه و قدرت سیاسی سبب بروز انحصار گروهی می شود و این امر موجبات جاودانه شدن نابرابری را فراهم می کند و از این طریق احساس طرد اجتماعی پدید می آید.

علاوه بر رویکردهای ذکر شده، نظریه هایی نیز در زمینه طرد اجتماعی وجود دارد. دورکیم معتقد است در شرایطی که وجدان جمعی در یکپارچه کردن اجتماع ناکارآمد شده و پیوندهای اجتماعی بر پایه هنجارها و ارزش های مشترک و همگانی رو به ضعف و سستی نهاده باشد، هیچ یک از گروه های خانوادگی، مذهبی و سیاسی (به ویژه دولت) نمی توانند فرد را به درون جامعه ادغام نمایند. در جوامع جدید که وظایف خانواده رو به انحصار می رود و نقش اقتصادی به مراتب محدودی دارد، خانواده نمی تواند واسطه میان فرد و اجتماع باشد. دولت و گروه های سیاسی نیز آن قدر مجرد، اقتدارآمیز و دور از فرد است که زمینه یکپارچه شدن فرد در اجتماع را نمی تواند فراهم کند. مذهب نیز نقش اجبار اجتماعی خویش را تا حدی از دست داده است و قادر به تعیین تکالیف یا قواعدی نیست که انسان در زندگی غیردینی اش باید از آن ها تبعیت کند (آرون، ۱۳۸۱: ۳۸۶-۳۸۷). در واقع در درون این چهارچوب، طرد اجتماعی به مثابه نتیجه کژکارکرد در روابط درون نهادی تفسیر می شود. به عبارت دیگر، ضعف وجدان جمعی سبب ضعف پیوندهای اجتماعی و در ادامه موجب عدم ادغام فرد در درون جامعه می گردد و احساس طرد اجتماعی را در برخی گروه های جامعه پدید می آورد.

مارکس نیز معتقد است در تولید به شیوه سرمایه داری، روابط مالکیت ابزار تولید، روابط طبقاتی سرمایه و کار و در نتیجه روابط استثماری و طردآمیز را تعیین می بخشد. محور تحلیل مارکس از تولید به شیوه سرمایه داری، این است که چه کسی ابزار تولید را در اختیار دارد و چه کسی از آن محروم است (مارکس و انگلس، ۱۹۵۹: ۲۱، به نقل از اکرا، ۲۰۰۵). بنا بر نظر مارکس، روابط طبقاتی سرمایه و کار روابط استثماری را به وجود می آورد و روابط استثماری باعث جدایی از ابزارهای تولید و احساس طرد اجتماعی می گردد.

همچنین بنا بر نظر وبر، بوروکراتیزه شدن روابط قدرت باعث جدایی صاحب منصبان از ابزارهای

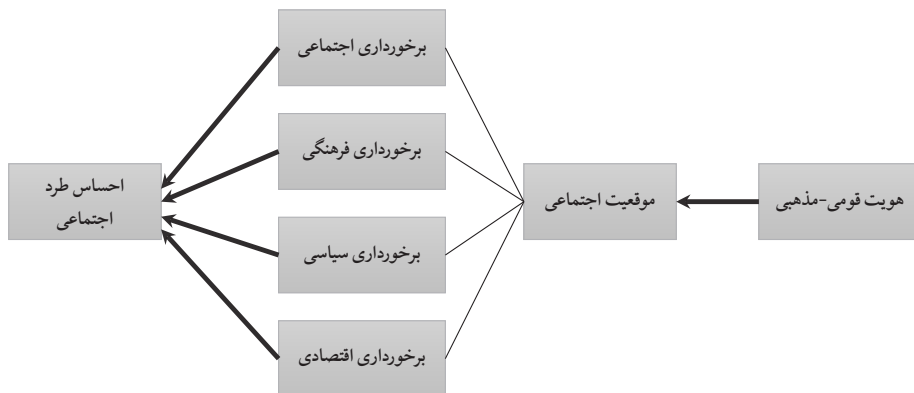
اجرایی می‌شود و این امر به نوبه خود ایجاد روابطی خاص مبتنی بر سلطه در این ساختارها را در پی دارد. ساختارهای بوروکراتیک متمرکز و مدرن امروزی، صاحب منصبان را از ابزارهای اجرایی، پژوهشگران را از ابزارهای تحقیق و جنگاوران را از ابزارهای جنگی جدا می‌کند. بوروکراسی‌ها از موقعیت ساختاری قدرت برخوردارند که در آن بوروکرات‌ها به خواست رؤسای سازمان استخدام می‌شوند، ترفیع می‌یابند و یا اخراج و مطرود از منافع می‌شوند (اکرا، ۲۰۰۵؛ به نقل از همان: ۱۱۶). به عبارت دیگر، بوروکراتیزه شدن روابط قدرت باعث ایجاد روابطی خاص و مبتنی بر سلطه و جدایی از ابزارهای بوروکراتیک می‌شود و همین امر احساس طرد اجتماعی را در برخی گروه‌ها به وجود می‌آورد.

در میان نظریه پردازان معاصر نیز گیدنز بر این نظر است که طرد اجتماعی حاکی از راه و روش‌هایی است که طی آن‌ها افراد از مشارکت کامل در جامعه بزرگ‌تر محروم می‌شوند. مفهوم طرد اجتماعی، توجه ما را به طیف وسیع عواملی جلب می‌کند که افراد و گروه‌ها از داشتن فرصت‌های موجود پیش روی اکثریت جمعیت باز می‌دارد (گیدنز، ۱۳۸۶: ۴۶۶). به بیان دیگر، در نگاه گیدنز نابرابری در توزیع فرصت‌ها محرومیت از مشارکت کامل در جامعه را در پی دارد و این مسئله سبب ایجاد احساس طرد اجتماعی در برخی گروه‌ها می‌شود.

همچنین از دیدگاه جیبرون و همکاران، تحرک روزانه به عنوان اشکال مختلف طرد اجتماعی وجود دارد و نابرابری (نابرابری اجتماعی، منابع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) با محدود کردن این تحرک روزانه به طرد اجتماعی منجر می‌شود (جیبرون و همکاران، ۲۰۱۰). به عبارت دیگر، نابرابری اجتماعی، منابع سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در میان اعضای جامعه، باعث محدودیت در تحرک روزانه می‌شود و همین امر احساس طرد اجتماعی را در برخی از گروه‌ها ایجاد می‌کند.

مارتین زیربا نیز معتقد است هنجارها با سطوح مختلفی برای دستیابی وجود دارد؛ در یک سو دو پدیده فقر و بیکاری به اشکال گوناگون، هر دو طردکننده از بازار هستند. لیکن هر دو، افراد را از مطلوب‌ترین در جامعه مدرن یعنی سرمایه‌ها و امتیازات اقتصادی دور می‌کنند و در سوی دیگر افرادی هستند فاقد صلاحیت شرکت‌جستن در الگویی که بهنجار، نیک، زیبا، مناسب، باصلاحیت و کارا باشد. به نظر می‌رسد در عمل تمام قلمروهای جامعه مدرن تابع و تسلیم این سطوح با محدودیت‌های به قاعده و بهنجاری هستند که متقابلاً به شکست هنجاری می‌انجامد؛ بنابراین به نظر می‌رسد شکست (در دستیابی) به هنجارها، به وجود آورنده طرد باشد (زیربا، ۱۳۸۵: ۲۱-۲۰). به عبارت دیگر، عدم صلاحیت برای شرکت در الگویی بهنجار و کارا، موجب شکست در دستیابی به هنجارهای جامعه مدرن و ایجاد احساس طرد در برخی گروه‌ها می‌شود.

بنا به نظر بوردیو، سازوکارهای طردآمیز و پنهانی سلطه، ساختارها، نهادها و روابط اجتماعی، تفاوت‌ها و به بیان دقیق‌تر امتیازات اجتماعی را به نفع گروه‌های فرادست بازتولید می‌کند و فردستان را از دستیابی به موقعیت‌ها و فرصت‌های بهتر محروم می‌سازد (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۹۲: ۱۵۳). روابط علی مفروض و مبتنی بر چهارچوب پژوهش در نمودار شماره ۱ ترسیم شده و در قالب فرضیاتی به آزمون گذاشته شده است.



نمودار شماره ۱: مدل نظری تحقیق

۴. روش شناسی

مطالعه حاضر با روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه انجام شده است. جامعه آماری تحقیق شامل دانشجویان ۲۴ تا ۳۵ ساله شیعه و سنی تحصیلات تکمیلی رشته های علوم اجتماعی سه دانشگاه تهران، شهید بهشتی و علامه طباطبایی بوده است. در تعیین حجم نمونه، ابتدا با توجه به تعداد دانشجویان سه دانشگاه، با استفاده از جدول نمونه گیری دواس به تعیین حجم نمونه پرداخته شد که با در نظر گرفتن خطای ۰/۶ و تعداد افراد جامعه آماری ۱۱۱۰ نفر در سطح اطمینان ۹۴ درصد، حجم نمونه ۲۷۹ نفر تعیین شد و پس از آن با استفاده از شیوه نمونه گیری طبقه بندی متناسب با حجم، تعداد نمونه مورد نیاز در هر دانشکده به دست آمد.

جدول شماره ۱: تعداد نمونه به تفکیک مقطع تحصیلی و دانشگاه محل تحصیل

دانشگاه	مقطع تحصیلی	کارشناسی ارشد	دکتری	جمع
تهران		۵۱	۳۸	۸۹
شهید بهشتی		۵۵	۳۶	۹۱
علامه طباطبایی		۶۰	۳۹	۹۹
جمع		۱۶۶	۱۱۳	۲۷۹

دستیابی به نمونه های مورد نظر با حضور در هر دانشکده و تعامل رودررو با دانشجویان انجام شد. همچنین به دلیل اینکه آمار دقیقی از دانشجویان سنی در دانشگاه های یاد شده در اختیار محققان قرار نگرفت، از روش

گلوله‌برفی برای دستیابی به دانشجویان سُنی و برای انتخاب دانشجویان شیعه از روش تصادفی ساده استفاده شد. برای آزمون مدل پژوهش، از روش‌های آماری استنباطی، شامل رگرسیون چندمتغیره و تحلیل مسیر در نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

پرسشنامه در این پژوهش از سه بخش تشکیل شده است: بخش اول، سؤال‌های مربوط به هویت مذهبی که با استفاده از مفهوم دورکیمی آن توسط محقق ساخته شده است و شامل نگرش مثبت نسبت به حفظ میراث فرهنگی- مذهبی اهل تشیع/تسنن، تحمل هر رنج برای حفظ و دفاع از مذهب، اهانت به مذهب سُنی/شیعه مسبب رنجاندن آن‌ها شدن و احساس مسئولیت نسبت به میراث فرهنگ مذهبی خود داشتن است. بخش دوم، سؤال‌های مرتبط با موقعیت اجتماعی (محقق ساخته) است و شامل تحصیلات، وضع اشتغال، نوع شغل، درآمد فرد با تحصیلات، درآمد خانواده فرد می‌شود. بخش سوم نیز سؤال‌های مربوط به احساس طرد شامل احساس طرد از منابع فرهنگی، سیاسی، مادی و اجتماعی است که سؤال‌های بخش احساس طرد و هویت مذهبی با استفاده از طیف لیکرت سنجش شده‌اند.

روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری

در پژوهش حاضر برای بررسی اعتبار و روایی پرسشنامه، از اعتبار صوری و اعتبار سازه استفاده شده است. اعتبار سازه نشان می‌دهد که نتایج به‌دست‌آمده از کاربرد یک ابزار اندازه‌گیری تا چه حد با نظریه‌هایی که آزمون بر محور آن‌ها تدوین شده است، تناسب دارد (دواس، ۱۳۹۳: ۱۰۹). یکی از مهم‌ترین روش‌های تعیین اعتبار سازه، تحلیل عاملی است. شاخص کفایت نمونه‌گیری کیرز-میر-اولکین (KMO)، برای تعیین مناسب بودن همبستگی میان گویه‌ها در ماتریس مورد استفاده قرار می‌گیرد که دامنه آن بین صفر و یک است (حبیب‌پور گتایی و صفری‌شالی، ۱۳۹۴: ۱۳۳). از آنجا که KMO بیش از ۰/۷۰ بود، بنابراین نیازی به حذف هیچ گویه‌ای از مجموعه نبود. آزمون کرویت بارتلت برای تمامی گویه‌ها در سطح حداقل ۹۵ درصد معنی‌دار بود. سنجش پایایی برای متغیرهای فاصله اجتماعی (شامل میزان و نحوه روابط و فاصله اجتماعی) و احساس طرد اجتماعی نیز با بهره‌گیری از ضریب آلفای کرونباخ انجام شد که نتایج آن در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول شماره ۲: پایایی مقیاس‌های تحقیق

متغیر	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ	آزمون کیرز-میر	آزمون بارتلت	مقدار احتمال
گویه‌های هویت مذهبی	۱۰	۰/۸۴	۰/۸۶	۷۰۶/۳۰۳	۰/۰۰۰
گویه‌های موقعیت اجتماعی	۶۲	۰/۸۵	۰/۸۷	۷۰۲/۲۷۷	۰/۰۰۰
گویه‌های احساس طرد اجتماعی	۲۱	۰/۹۲	۰/۹۳	۳۲۹۴/۶۶۲	۰/۰۰۰

۵. یافته‌ها

۵-۱. یافته‌های توصیفی

بررسی پایگاه اجتماعی و اقتصادی جامعه آماری، اطلاعاتی را در اختیار محقق قرار می‌دهد که با استفاده از آن بتواند مقایسه و تحلیل موشکافانه‌تری را ارائه کند. لذا در این بخش به توصیف متغیرهای مورد مطالعه پرداخته شده است، پس از آن با استفاده از تکنیک‌های آمار استنباطی، فرضیه‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

جدول شماره ۳: شاخص‌های آماری سن پاسخگویان به تفکیک گروه مذهبی

گروه مذهبی	فراوانی	میانگین	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
شیعه	۱۸۷	۲۷/۸۴	۲۴	۳۵	۳/۴۳۸
سُنی	۸۲	۲۷/۵۷	۲۴	۳۵	۳/۰۹۲

با توجه به جدول شماره ۳، میانگین و انحراف معیار گروه سنی پاسخگویان شیعه از میانگین و انحراف معیار گروه سنی پاسخگویان سُنی به دلیل تعداد بیشتر آن‌ها نسبت به دانشجویان سُنی بیشتر است.

جدول شماره ۴: توزیع نسبی پاسخگویان برحسب جنسیت به تفکیک گروه مذهبی

گروه مذهبی		تعداد			کل
		زن	مرد	درصد	
شیعه	تعداد	۱۱۴	۷۳	۱۸۷	۶۹/۵
	درصد	۴۲/۴	۲۷/۱	۶۹/۵	
سُنی	تعداد	۳۶	۴۶	۸۲	۳۰/۵
	درصد	۱۳/۴	۱۷/۱	۳۰/۵	

۶۹/۵ درصد از دانشجویان در گروه اکثریت (شیعه) و ۳۰/۵ درصد در گروه اقلیت (سُنی) قرار دارند. همچنین ۴۰/۹ درصد از حجم نمونه دانشجویان شیعه یعنی اکثریت آنان در شهرستان متولد شده‌اند. همچنین ۲۰/۸ درصد از حجم نمونه دانشجویان سُنی متولد شهرستان بودند. ۴۸ درصد از دانشجویان شیعه در شهرستان و ۲۱/۶ درصد در تهران زندگی می‌کردند. ۲۵/۳ درصد از دانشجویان سُنی ساکن شهرستان و ۵/۲ درصد ساکن تهران بودند.

۴/۲ درصد از دانشجویان شیعه متأهل و ۴۵/۴ درصد مجرد بودند. همچنین ۷/۸ درصد از دانشجویان سُنی متأهل و ۲۲/۷ درصد مجرد بودند.

۴۰/۵ درصد از دانشجویان شیعه در سطح کارشناسی ارشد و ۲۹ درصد در سطح دکتری بوده‌اند.

۲۱/۲ درصد از دانشجویان سُنی کارشناسی ارشد و ۹/۳ درصد در سطح دکتری بوده‌اند. میانگین و انحراف معیار ترم تحصیلی دانشجویان شیعه به ترتیب ۲/۲۵ و ۱/۵۳۶ ترم بود، حداقل ترم تحصیلی آن‌ها ۱ و حداکثر آن ۵ ترم بود. میانگین و انحراف معیار ترم تحصیلی دانشجویان سُنی به ترتیب ۲/۲۰ و ۱/۳۹۲ ترم با حداقل ۱ و حداکثر ۵ ترم است.

۲۱/۲ درصد از دانشجویان شیعه دانشجوی دانشگاه تهران، ۲۳/۴ درصد دانشجوی دانشگاه شهید بهشتی و ۲۴/۹ درصد دانشجوی دانشگاه علامه طباطبائی بوده‌اند. همچنین ۱۰ درصد از دانشجویان سُنی دانشجوی دانشگاه تهران، ۸/۹ درصد دانشجوی دانشگاه شهید بهشتی و ۱۱/۵ درصد دانشجوی دانشگاه علامه طباطبائی بوده‌اند.

۱/۳ درصد از همسران دانشجویان شیعه متأهل بی‌سواد بودند، ۱۸/۶ درصد تحصیلات دیپلم، ۲۰/۹ درصد تحصیلات فوق‌دیپلم، ۳۳/۷ درصد تحصیلات لیسانس و ۱/۳ درصد تحصیلات فوق‌لیسانس داشتند. همچنین ۴/۷ درصد از همسران دانشجویان سُنی متأهل تحصیلات دیپلم، ۱۸/۶ درصد تحصیلات لیسانس و ۱/۳ درصد تحصیلات فوق‌لیسانس داشتند.

۲/۱۴ درصد از پدران دانشجویان مجرد شیعه بی‌سواد بودند، ۲۶/۸ درصد تحصیلات زیر دیپلم، ۲۲/۴ درصد تحصیلات دیپلم و ۳/۳ درصد تحصیلات فوق‌دیپلم داشتند. همچنین ۱/۷ درصد از پدران دانشجویان مجرد سُنی بی‌سواد بودند، ۱۵/۳ درصد تحصیلات زیر دیپلم، ۹/۳ درصد تحصیلات دیپلم و ۱/۶ درصد تحصیلات فوق‌دیپلم داشتند.

یافته‌ها نشان داد، ۱۱/۵ درصد از مادران دانشجویان مجرد شیعه بی‌سواد بودند، ۴۴/۳ درصد تحصیلات زیر دیپلم، ۶/۰ درصد تحصیلات دیپلم و ۴/۹ درصد تحصیلات فوق‌دیپلم داشتند. همچنین ۴/۹ درصد از مادران دانشجویان مجرد سُنی بی‌سواد بودند، ۲۴ درصد تحصیلات زیر دیپلم و ۴/۴ درصد تحصیلات دیپلم داشتند.

۴۰/۱ درصد از دانشجویان شیعه غیر شاغل و ۲۹/۴ درصد شاغل بودند. همچنین ۲۱/۹ درصد از دانشجویان سُنی غیر شاغل و ۸/۶ درصد شاغل بودند. ۶/۴ درصد از دانشجویان شاغل بر اساس مقیاس منزلت شغلی، شغل پایین‌رتبه، ۲۱/۸ درصد شغل با مرتبه متوسط و ۴۶/۲ درصد شغل بلندمرتبه داشتند. همچنین ۲/۶ درصد از دانشجویان سُنی شاغل شغل پایین‌رتبه، ۱۰/۳ درصد شغل با مرتبه متوسط و ۱۲/۸ درصد شغل بلندمرتبه داشتند.

۱۶/۴ درصد از افراد شیعه به‌طور متوسط کمتر از دو میلیون تومان و ۵۲/۱ درصد بین ۲ تا ۴ میلیون تومان در ماه درآمد داشته‌اند. همچنین، ۴/۱ درصد از افراد سُنی شاغل به‌طور متوسط کمتر از دو میلیون تومان، ۱۳/۷ درصد بین ۲ تا ۴ میلیون و ۶/۸ درصد بین ۴ تا ۵ میلیون تومان در ماه درآمد داشته‌اند.

بر اساس مقیاس منزلت مشاغل، ۱۱/۸ درصد از همسران دانشجویان شیعه متأهل شغل پایین‌رتبه، ۵۱/۳ درصد شغل با مرتبه متوسط و ۱۰/۵ درصد شغل بلندمرتبه داشتند. همچنین، ۵/۳ درصد از همسران دانشجویان سُنی متأهل شغل پایین‌رتبه، ۱۴/۵ درصد شغل با مرتبه متوسط و ۶/۶ درصد شغل بلندمرتبه داشتند.

متوسط هزینه‌های ماهیانه خانواده ۲/۶ درصد از دانشجویان شیعه کمتر از یک میلیون تومان، ۴۸/۳ درصد ۱/۱ تا ۳ میلیون تومان و ۱۸/۶ درصد بیش از ۳ میلیون تومان بود. همچنین متوسط هزینه‌های ماهیانه خانواده ۲/۲ درصد از دانشجویان سُنی کمتر از یک میلیون تومان، ۲۵/۷ درصد ۱/۱ تا ۳ میلیون تومان و ۲/۶ درصد بیش از ۳ میلیون تومان بود.

متوسط درآمد ماهیانه خانواده ۲/۲ درصد از دانشجویان شیعه کمتر از ۲ میلیون تومان، ۴۱/۳ درصد ۲/۱ تا ۴ میلیون تومان، ۱۴/۹ درصد ۴/۱ تا ۶ میلیون تومان، ۷/۴ درصد ۶/۱ تا ۸ میلیون تومان و ۳/۷ درصد بیش از ۸ میلیون تومان بود. همچنین متوسط درآمد ماهیانه خانواده ۴/۸ درصد از دانشجویان شیعه کمتر از دو میلیون تومان، ۱۹/۳ درصد ۲/۱ تا ۴ میلیون تومان، ۵/۶ درصد ۴/۱ تا ۶ میلیون تومان و ۰/۷ درصد بیش از ۸ میلیون تومان بود.

از حیث نوع مالکیت منزل مسکونی، ۷/۱ درصد از دانشجویان شیعه در منزل پدری، ۱/۹ درصد در منزل سازمانی، ۱۲/۶ درصد در منزل استیجاری و ۴۸/۰ درصد در منزل ملکی سکونت داشتند. همچنین ۰/۴ درصد از دانشجویان سُنی در منزل پدری، ۲/۳ درصد در منزل سازمانی، ۱۰/۸ درصد در منزل استیجاری و ۱۷/۱ درصد در منزل ملکی سکونت داشتند.

آماره‌های توصیفی متغیرهای اجتماعی نیز در جدول زیر آمده است:

جدول شماره ۵: آماره‌های توصیفی متغیرهای اصلی (مستقل، وابسته و واسطه) به تفکیک گروه مذهبی

نام متغیر	گروه مذهبی	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
هویت مذهبی	شیعه	۱/۲۳	۰/۴۵	۰/۵	۷۴/۳
	سُنی	۱/۲۶	۰/۵۰	۳/۷	۸۰/۵
احساس طرد اجتماعی	شیعه	۱/۳۷	۰/۵۸	۴/۸	۶۳/۶
	سُنی	۱/۴۱	۰/۵۸	۴/۹	۶۷/۱
موقعیت اجتماعی	شیعه	۱/۳۲	۰/۶۴	۹/۱	۷۳/۳
	سُنی	۱/۳۶	۰/۵۹	۶/۱	۷۴/۴

میانگین هویت مذهبی در میان دانشجویان سُنی (۱/۲۶) بالاتر از میانگین هویت مذهبی در میان دانشجویان شیعه (۱/۲۳)، میانگین احساس طرد اجتماعی در میان دانشجویان سُنی (۱/۳۸) بالاتر از میانگین احساس طرد اجتماعی در میان دانشجویان شیعه (۱/۴۱) و میانگین موقعیت اجتماعی در میان دانشجویان سُنی (۱/۳۶) بالاتر از میانگین موقعیت اجتماعی در میان دانشجویان شیعه (۱/۳۲) بود و اکثریت جمعیت نمونه شیعه (۸۴/۵) و سُنی (۲۲/۰) از نظر متغیر موقعیت اجتماعی در سطح متوسط قرار داشتند.

۵-۲. یافته‌های استنباطی (تحلیل روابط دومتغیره)

در این بخش به بررسی یافته‌های استنباطی و آزمون فرضیات می‌پردازیم.

جدول شماره ۶: ضریب همبستگی بین متغیرها به تفکیک گروه مذهبی

مقدار احتمال	ضریب همبستگی	گروه مذهبی	
۰/۰۰۰	۰/۷۲۳***	شیعه	هویت مذهبی و احساس طرد اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۸۳۳***	سُنی	
۰/۰۳۲	-۰/۰۶۷*	شیعه	هویت مذهبی و موقعیت اجتماعی
۰/۰۴۲	۰/۰۳۴*	سُنی	
۰/۰۲۷	-۰/۰۷۲*	شیعه	هویت مذهبی و موقعیت اجتماعی
۰/۰۴۸	-۰/۰۸۱*	سُنی	

*** معناداری در سطح کوچک‌تر از ۰/۰۰۱ * معناداری در سطح کوچک‌تر از ۰/۰۵

در این مطالعه میزان رابطه هویت مذهبی با احساس طرد اجتماعی افراد مورد بررسی قرار گرفته است. طبق یافته‌ها، مقدار همبستگی بین دو متغیر هویت مذهبی و احساس طرد اجتماعی افراد شیعه در مقدار احتمال ۰/۰۰۰ برابر با ۰/۷۶۶ است؛ بدین معنا که هرچه هویت مذهبی پاسخگویان قوی‌تر باشد، احساس طرد و مطرودیت اجتماعی در میان آنان نیز بالاتر است.

همچنین یافته‌های به‌دست‌آمده از نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که مقدار همبستگی بین دو متغیر هویت مذهبی و احساس طرد اجتماعی افراد سُنی مذهب در مقدار احتمال ۰/۰۰۰ برابر با ۰/۸۳۳ است؛ بدین معنا که هرچه هویت مذهبی پاسخگویان قوی‌تر بوده، احساس طرد و مطرودیت اجتماعی در میان آنان نیز، بالاتر است. مقدار همبستگی بین دو متغیر هویت مذهبی و موقعیت اجتماعی افراد شیعه در مقدار احتمال ۰/۰۳۲ برابر با ۰/۰۶۷ - است، بنابراین بین هویت مذهبی با موقعیت اجتماعی افراد شیعه رابطه معکوس معنادار وجود دارد و در نتیجه فرض صفر رد می‌شود. نتایج حاکی از آن است هرچه موقعیت اجتماعی افراد شیعه بالاتر باشد، احساس تعلق و وابستگی آنان به هویت مذهبی کمتر است.

مقدار همبستگی بین دو متغیر هویت مذهبی و موقعیت اجتماعی افراد سُنی در مقدار احتمال ۰/۰۴۲ برابر با ۰/۰۳۴ است، بنابراین بین هویت مذهبی با موقعیت اجتماعی افراد سُنی رابطه مثبت معنادار وجود دارد و در نتیجه فرض صفر رد می‌شود. نتایج حاکی از آن است هرچه موقعیت اجتماعی افراد سُنی بالاتر باشد وابستگی آنان به هویت مذهبی شان بیشتر است. این یافته بیانگر آن است که موقعیت اجتماعی افراد به‌واسطه هویت مذهبی آنان تغییر می‌کند، اما این تغییر در همه گروه‌های مذهبی یکسان نیست؛ بلکه در برخی گروه‌ها مثبت و در برخی دیگر منفی است. چنان‌که در این یافته نیز ملاحظه می‌شود، افراد شیعه‌ای که

موقعیت اجتماعی بالایی دارند از هویت مذهبی ضعیف‌تری برخوردار هستند. درواقع این یافته را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که افراد سُنی به دلیل قرارگرفتن در گروه اقلیت و برای رسیدن به موقعیت اجتماعی برابر با گروه اکثریت، هویت مذهبی را عاملی برای یافتن موقعیت برابر در نظر می‌گیرند؛ درحالی‌که افراد شیعه به دلیل اینکه برای رسیدن به موقعیت ممتاز به لحاظ مذهبی و دینی در موضع قدرت قرار دارند، نیازی به تأکید بر هویت مذهبی خود ندارند.

همچنین در این مطالعه میزان احساس طرد اجتماعی با موقعیت اجتماعی به تفکیک مذهب افراد مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس نتایج آزمون همبستگی پیرسون، مقدار همبستگی بین دو متغیر میزان احساس طرد اجتماعی و موقعیت اجتماعی افراد شیعه در مقدار احتمال $0/027$ برابر با $0/072$ - است. بنابراین بین احساس طرد اجتماعی با موقعیت اجتماعی افراد شیعه رابطه معکوس معنادار وجود دارد و در نتیجه فرض صفر رد می‌شود. نتایج حاکی از آن است هرچه موقعیت اجتماعی افراد شیعه بالاتر باشد، احساس طرد اجتماعی در میان آنان کمتر است.

مقدار همبستگی بین دو متغیر میزان احساس طرد اجتماعی و موقعیت اجتماعی افراد سُنی در مقدار احتمال $0/048$ برابر با $0/081$ - است. بنابراین بین احساس طرد اجتماعی با موقعیت اجتماعی افراد سُنی رابطه معکوس معنادار وجود دارد و در نتیجه فرض صفر رد می‌شود؛ یعنی هرچه موقعیت اجتماعی افراد سُنی بالاتر باشد، میزان احساس طرد اجتماعی در میان آنان کمتر است. با توجه به این یافته، موقعیت اجتماعی بالا در گروه‌ها احساس برابری و عدم تبعیض را در گروه‌های نابرابر تقویت و احساس طرد اجتماعی را در این افراد تضعیف می‌کند. درواقع افراد در موقعیت برابر احساس طرد اجتماعی کم‌تری دارند.

جدول شماره ۷: نتایج آزمون تی دو نمونه مستقل برای بررسی تفاوت میزان هویت مذهبی، احساس طرد اجتماعی و موقعیت اجتماعی در بین دو گروه مذهبی شیعه و سُنی

مقدار احتمال	درجه آزادی	t	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد		
۰/۸۴۷	۲۶۷	-۰/۱۵۸	۰/۵۳	۱/۲۳	۱۸۷	شیعه	هویت مذهبی
			۰/۷۰	۱/۲۶	۸۲	سُنی	
۰/۰۳۶	۲۶۷	۰/۳۳۷	۰/۶۱۱	۲/۲۸	۱۸۷	شیعه	احساس طرد اجتماعی
			۰/۷۲۵	۲/۳۵	۸۲	سُنی	
۰/۸۳۱	۲۶۷	-۰/۲۱۳	۰/۵۷۵	۲/۱۸	۱۸۷	شیعه	موقعیت اجتماعی
			۰/۷۳۵	۲/۲۰	۸۲	سُنی	

با توجه به جدول بالا، میانگین هویت مذهبی در دانشجویان شیعه (۱/۲۳) از میانگین هویت مذهبی افراد سُنی (۱/۲۶) کمتر است. مقدار احتمال این تفاوت برابر با $0/874$ است و تفاوت میان میانگین هویت مذهبی در افراد با دو مذهب مختلف حاضر در پرسشنامه از لحاظ آماری معنادار نیست.

تبیین رابطه هویت مذهبی و موقعیت اجتماعی با احساس طرد اجتماعی در بین دو گروه دانشجویان شیعه و سُنی

همچنین میزان احساس طرد اجتماعی در دانشجویان شیعه (۲/۲۸) از میزان احساس طرد اجتماعی دانشجویان سُنی (۲/۳۵) کمتر است. مقدار احتمال آزمون تفاوت میانگین دو گروه، برابر با ۰/۰۳۶ است که از مقدار احتمال ۰/۰۵ کمتر است. پس تفاوت میان میانگین میزان احساس طرد اجتماعی در دانشجویان دو گروه مذهبی شیعه و سُنی از لحاظ آماری معنادار است. این یافته بدین معنا است که دانشجویان شیعه نسبت به دانشجویان سُنی احساس طرد نسبتاً کمتری دارند (درعین حال با وجود معنادار شدن، تفاوت میانگین خیلی کم است).

از سوی دیگر موقعیت اجتماعی دانشجویان شیعه (۲/۱۸) از موقعیت اجتماعی دانشجویان سُنی (۲/۲۰) بیشتر است. مقدار احتمال متغیر موقعیت اجتماعی افراد برابر با ۰/۸۳۱ است که از مقدار احتمال ۰/۰۵ بیشتر است. بنابراین تفاوت بین میانگین میزان موقعیت اجتماعی در دانشجویان با دو مذهب شیعه و سُنی از لحاظ آماری معنادار نیست.

جدول شماره ۸: نتایج آزمون واریانس دوطرفه (اثرات اصلی و تعاملی) مذهب و قومیت بر حسب متغیر هویت مذهبی دانشجویان

فرض همگنی واریانس	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	مقدار احتمال	اندازه اثر
مذهب	۰/۳۰۴	۱	۰/۳۰۴	۰/۸۷۰	۰/۳۵۲	۰/۰۰۳
قومیت	۰/۸۹۵	۱	۰/۱۷۹	۰/۵۱۲	۰/۰۳۷	۰/۰۱۰
مذهب * قومیت	۱/۵۹۹	۵	۰/۳۲۰	۰/۹۱۴	۰/۰۴۲	۰/۰۱۷
خطا	۸۹/۹۱	۲۵۷	۰/۳۵۰			
کل	۱۲۶۸/۵۰۰	۲۶۹				

با توجه به جدول شماره ۸، مذهب تأثیر معناداری بر هویت مذهبی افراد ندارد، اما تأثیر قومیت بر هویت مذهبی افراد معنادار است. از سوی دیگر با توجه به نتایج آنالیز واریانس دوطرفه، اثر متقابل مذهب و قومیت بر هویت مذهبی افراد معنادار است؛ بدین معنا که با افزایش میزان اثر متقابل مذهب و قومیت، احساس تعلق به هویت مذهبی در پاسخگویان نیز افزایش می‌یابد و برعکس.

با توجه به جدول شماره ۹، مذهب و قومیت هر یک به تنهایی تأثیر معناداری بر احساس طرد اجتماعی افراد دارند. همچنین اثر متقابل مذهب و قومیت بر احساس طرد اجتماعی افراد معنادار است؛ بدین معنا که هرچه تعلقات مذهبی و قومی قوی‌تر باشد، میزان احساس طرد اجتماعی در میان پاسخگویان نیز بیشتر است و برعکس.

جدول شماره ۹: نتایج آزمون آنالیز واریانس دوطرفه (اثرات اصلی و تعاملی) برحسب متغیر احساس طرد اجتماعی و موقعیت اجتماعی دانشجویان

فرض همگنی واریانس	اندازه اثر	مقدار احتمال	F	میلگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات		
برابر	۰/۰۰۱	۰/۰۳۹	۰/۱۸۳	۰/۰۷۸	۱	۰/۰۷۸	مذهب	برحسب متغیر احساس طرد اجتماعی دانشجویان
	۰/۰۱۷	۰/۰۲۶	۰/۸۹۳	۰/۳۷۹	۱	۱/۸۹۷	قومیت	
	۰/۰۱۵	۰/۰۱۹	۰/۸۰۲	۰/۳۴۱	۵	۱/۷۰۳	مذهب * قومیت	
	-	-	-	۰/۴۲۵	۲۵۷	۱۰۹/۱۵۲	خطا	
	-	-	-	-	۲۶۹	۱۴۹۵/۱۴۱	کل	
	-	-	-	-	-	-	-	
برابر	۰/۰۲۱	۰/۰۱۸	۵/۶۲۶	۰/۶۲۰	۱	۰/۶۲۰	مذهب	برحسب متغیر موقعیت اجتماعی دانشجویان
	۰/۰۳۸	۰/۰۴۴	۲/۰۵۱	۰/۲۲۶	۱	۱/۱۳۰	قومیت	
	۰/۰۲۴	۰/۰۱۴	۱/۲۵۴	۰/۱۳۸	۵	۰/۶۹۱	مذهب * قومیت	
	-	-	-	۰/۱۱۰	۲۵۷	۲۸/۳۱۵	خطا	
	-	-	-	-	۲۶۹	۱۲۸۰/۲۳۴	کل	
	-	-	-	-	-	-	-	

همچنین دو متغیر مذهب و قومیت تأثیر معناداری بر موقعیت اجتماعی افراد دارند و اثر متقابل مذهب و قومیت نیز بر موقعیت اجتماعی افراد معنادار است؛ بدین معنا که با افزایش تعلقات مذهبی و قومی در افراد، موقعیت اجتماعی آنان نیز بالاتر می‌رود و برعکس.

در ادامه به تحلیل رگرسیونی متغیرهای تحقیق پرداخته شده است. متغیرهای مستقل، وابسته و واسطه از طریق تحلیل رگرسیون چندمتغیره و به روش رگرسیون گام‌به‌گام انجام شد.

جدول شماره ۱۰: خلاصه مدل تحلیل رگرسیونی برای پیش‌بینی احساس طرد اجتماعی دانشجویان

مدل	ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین (R^2)	ضریب تعیین تعدیل شده (R^2 Adj.)	خطای استاندارد برآورد	F	مقدار احتمال
۱	۰/۶۳۵	۰/۴۰۴	۰/۲۲۵	۰/۷۰۷	۲/۲۵۶	۰/۰۰۰

تبیین رابطه هویت مذهبی و موقعیت اجتماعی با احساس طرد اجتماعی در بین دو گروه دانشجویان شیعه و سُنی

نتایج آزمون تحلیل رگرسیون حاکی از آن است که رابطه متغیرهای زمینه‌ای و احساس طرد اجتماعی معنادار است. بنا بر نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندمتغیره برای متغیر وابسته احساس طرد اجتماعی، ضریب همبستگی چندگانه (۰/۶۳۵) رابطه قوی بین متغیرهای مستقل و احساس طرد اجتماعی در بین دانشجویان را نشان می‌دهد.

تحلیل رگرسیون: تأثیر متغیرهای مستقل (هویت مذهبی و موقعیت اجتماعی) بر احساس طرد اجتماعی به تفکیک مذهب دانشجویان

جدول شماره ۱۱: خلاصه مدل تحلیل رگرسیونی برای پیش‌بینی احساس طرد اجتماعی دانشجویان به تفکیک مذهب

مدل	ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین (R ²)	ضریب تعیین تعدیل شده (R ² Adj.)	خطای استاندارد برآورد	F	مقدار احتمال
شیعه	۰/۶۲۳	۰/۳۸۸	۰/۳۸۱	۰/۳۹۳	۴۸/۶۷۸	۰/۰۰۰
سُنی	۰/۵۸۳	۰/۳۴۰	۰/۳۳۳	۰/۴۴۳	۵۰/۷۵۶	۰/۰۰۰

نتایج آزمون تحلیل رگرسیون بیانگر آن است که ارتباط بین متغیر مذهب در هر دو گروه مذهبی شیعه و سُنی با احساس طرد اجتماعی معنادار است که ضریب همبستگی چندگانه در میان گروه شیعه مقدار ۰/۶۲۳ و در میان گروه سُنی مقدار ۰/۵۸۳ را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱۲: نتایج ضرایب تأثیر رگرسیونی متغیرهای پیش‌بین بر متغیر ملاک احساس طرد اجتماعی دانشجویان

مقدار احتمال	t	ضریب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد		متغیرهای پیش‌بین	
			Beta	خطای استاندارد	B	
۰/۰۱۹	۰/۲۷۳	-	۰/۲۵۲	۰/۰۶۹	مقدار ثابت	شیعه
۰/۰۳۹	۲/۱۷۱	۰/۱۳۹	۰/۰۷۳	۰/۱۵۹	هویت مذهبی	
۰/۰۴۶	-۵/۶۲۳	-۰/۰۲۷	۰/۰۶۵	-۰/۳۶۸	موقعیت اجتماعی	
۰/۰۴۷	۲/۸۶۲	-	۰/۲۵۶	۰/۷۳۴	مقدار ثابت	سُنی
۰/۰۳۷	۵/۱۵۱	۰/۲۱۱	۰/۰۷۳	۰/۳۷۶	هویت مذهبی	
۰/۰۲۴	-۵/۶۳۴	-۰/۰۴۳	۰/۰۶۵	-۰/۳۶۸	موقعیت اجتماعی	

بنا بر نتایج جدول شماره ۱۲، از متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیونی به تفکیک مذهب شیعه و سنی، متغیرهای هویت مذهبی و موقعیت اجتماعی رابطه معنی داری در معادله یافتند که با توجه به نتایج، متغیر هویت مذهبی تأثیر مستقیم و متغیر موقعیت اجتماعی تأثیر منفی بر میزان احساس طرد اجتماعی دانشجویان دارد. علاوه بر این، بتای متغیر موقعیت اجتماعی $0/027-$ ، متغیر هویت مذهبی $0/211$ و متغیر موقعیت اجتماعی $0/043-$ است که دلالت بر اثرگذاری این متغیرها بر میزان احساس طرد اجتماعی در بین دانشجویان دارد.

جدول شماره ۱۳: خلاصه مدل تحلیل رگرسیونی برای پیش بینی احساس طرد اجتماعی دانشجویان

مدل	ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین (R^2)	ضریب تعیین تعدیل شده ($R^2 \text{ Adj.}$)	خطای استاندارد برآورد	F	مقدار احتمال
۱	۰/۶۳۲	۰/۳۹۹	۰/۳۹۰	۰/۲۳۲	۴۵۳/۸۳۵	۰/۰۰۰

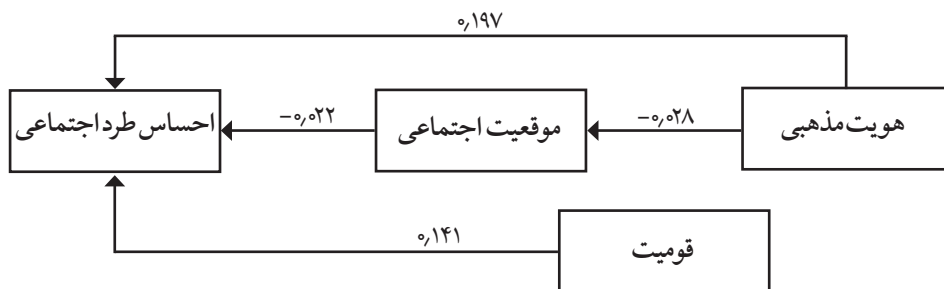
نتایج آزمون تحلیل رگرسیون بیانگر آن است که ضریب همبستگی چندگانه $0/632$ است که نشان از همبستگی قوی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته دارد. همچنین با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده می توان ادعا کرد که متغیرهای وارد شده به معادله توانسته اند ۳۹ درصد از واریانس تغییرات مربوط به متغیر وابسته را تبیین نمایند.

جدول شماره ۱۴: نتایج ضرایب تأثیر رگرسیونی متغیرهای پیش بین بر متغیر ملاک احساس طرد اجتماعی دانشجویان

مقدار احتمال	t	ضرایب غیر استاندارد			متغیرهای پیش بین
		Beta	خطای استاندارد	B	
۰/۰۲۶	۸/۱۲۵	-	۰/۱۱۴	۰/۹۵۷	مقدار ثابت
۰/۰۲۹	۳/۸۰۱	۰/۱۹۷	۰/۰۴۴	۰/۱۴۱	هویت مذهبی
۰/۰۴۰	-۱۰/۱۳۳	-۰/۰۲۲	۰/۰۴۲	۰/۳۱۰	موقعیت اجتماعی
۰/۰۱۰	۰/۵۵۹	۰/۱۴۱	۰/۰۰۸	۰/۰۰۸	قومیت

بنا بر نتایج جدول بالا، متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیونی رابطه معنی داری در معادله یافتند که با توجه به نتایج هویت مذهبی و قومیت تأثیر مستقیمی بر میزان احساس طرد اجتماعی دارند. ولی متغیر موقعیت اجتماعی بر میزان احساس طرد اجتماعی تأثیر معکوس دارد. همچنین بتای متغیر فاصله اجتماعی

برابر $0/506$ ، بتای متغیر هویت مذهبی $0/197$ ، بتای متغیر موقعیت اجتماعی $0/022$ - و بتای متغیر قومیت $0/141$ است که دلالت بر اثرگذاری این متغیرها بر میزان احساس طرد اجتماعی دانشجویان دارد. بر اساس نتایج حاصل از آزمون فرضیات، مدل نهایی این مطالعه به صورت زیر ترسیم شده است.



شکل شماره ۲: مدل تجربی پژوهش

۶. بحث و نتیجه‌گیری

احساس طرد اجتماعی، متغیری برآیندی و نتیجه انباشت محرومیت‌های عینی و ذهنی کسانی است که میزان محرومیت آنان نسبتاً بالاست و فقدان‌های مهمی را در طول زندگی خود تجربه و احساس می‌کنند. این افراد به دلیل تعلق به گروهی خاص و یا در اثر وقوع مسائل جداساز، با اعضای جامعه متفاوت‌اند و در جایگاهی دون‌پایه، فضایی آغشته به تبعیض و در مجموع در حاشیه جریان اصلی زندگی عمومی در جامعه قرار دارند. از این رو شرایط موجود از یک سو باعث جداافتادگی آنان از جامعه و کناره‌گیری از مشارکت در جامعه و از سوی دیگر بروز آسیب‌های احتمالی و تهدیدها برای آنان و جامعه خواهد شد.

در این نوشتار ابعاد طرد اجتماعی، موقعیت اجتماعی و نیز قومیت و مذهب با هدف مقایسه میزان احساس طرد اجتماعی در میان دو گروه دانشجویان شیعه و سنی با متغیر واسطه موقعیت اجتماعی، با رویکرد کمی و تکنیک پرسشنامه ساخت‌یافته، شناسایی و مورد مطالعه آماری قرار گرفت. بر اساس فرضیه اصلی تحقیق، دانشجویان سنی مذهب به دلیل مذهبشان که نسبت به مذهب شیعه اقلیت محسوب می‌شود، احساس طرد اجتماعی بیشتری دارند.

آزمون فرضیات تحقیق پشتوانه معنی‌داری برای فرض کلی به دست داد که بنا بر آن هویت قومی-مذهبی می‌تواند بر احساس طرد اجتماعی اثرگذار باشد؛ به گونه‌ای که افراد متعلق به گروه قومی-مذهبی سنی (که نسبت به گروه مذهبی شیعه در اقلیت قرار دارند)، احساس طرد بیشتری می‌کنند. از طرفی هویت مذهبی به تنهایی و با کنترل قومیت با احساس طرد اجتماعی رابطه دارد، اما این رابطه زمانی که بدون کنترل قومیت سنجش می‌شود، همبستگی بالاتری با احساس طرد می‌یابد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مذهب و قومیت در کنار هم می‌توانند عوامل مکملی برای تبیین احساس طرد باشند.

با توجه به نتایج به دست آمده از بررسی روابط دومتغیره از قبیل رابطه هویت مذهبی با احساس طرد اجتماعی و نیز آزمون تحلیل رگرسیون متغیرهای مذهب، فاصله اجتماعی، موقعیت اجتماعی و قومیت برای تبیین احساس طرد اجتماعی، فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر رابطه هویت مذهبی با احساس طرد اجتماعی در میان دو گروه دانشجویان شیعه و سنی، تأیید شد. از دیدگاه دورکیم، ضعف وجدان جمعی سبب ضعف پیوندهای اجتماعی می شود و این امر موجب عدم ادغام فرد در درون جامعه و پدیدآوردن احساس طرد اجتماعی در برخی گروه های جامعه می گردد. از سوی دیگر بر اساس پارادایم همبستگی، تفاوت ارزش ها و هنجارهای فرد و گروه ها با فرهنگ مسلط، باعث گسیختگی روابط اجتماعی بین فرد و جامعه می شود و احساس طرد اجتماعی را در میان برخی گروه ها در جامعه ایجاد می نماید (آرون، ۱۳۸۱، به نقل از غفاری و تاج الدین، ۱۳۸۴).

همچنین فرضیه دوم تحقیق مبنی بر اینکه موقعیت اجتماعی برحسب هویت قومی-مذهبی دانشجویان متفاوت است، تأیید شده است. بر اساس یافته های تحقیق، پاسخگویان فارس شیعه و سنی از سطح موقعیت اجتماعی بالاتری نسبت به سایر پاسخگویان برخوردارند. همچنین با توجه به نتایج آزمون روابط دومتغیره، پاسخگویان شیعه از موقعیت اجتماعی بالاتری نسبت به پاسخگویان سنی برخوردارند. این نتایج همسو با تحقیق بلنی و آمبرسیو (۲۰۱۱) با عنوان محرومیت، طرد اجتماعی و رفاه ذهنی است که بر اساس نتایج آن افراد از ملزومات لازم در رسیدن به حداقل استاندارد رفاه و زندگی محروم اند.

با توجه به نتایج روابط دومتغیره و آزمون تحلیل رگرسیون برای بررسی رابطه متغیرهای موقعیت اجتماعی و احساس طرد اجتماعی، موقعیت اجتماعی با احساس طرد اجتماعی رابطه دارد و این رابطه به این صورت است که هرچه موقعیت اجتماعی افراد در سطح بالاتری باشد، احساس طرد اجتماعی در آنان کم تر است و برعکس. این نتایج نشان دهنده آن است که فرض وجود رابطه بین دومتغیر موقعیت اجتماعی و احساس طرد اجتماعی تأیید می شود. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از آن است که پاسخگویان سنی برحسب موقعیت اجتماعی شان احساس طرد بیشتری نسبت به پاسخگویان شیعه دارند و این احساس به دلیل قرار گرفتن آنان در گروه اقلیت نسبت به گروه اکثریت (شیعه) شکل می گیرد، چراکه از نظر آنان قدرت در جامعه در دست اکثریت است.

نتایج تحلیل رگرسیون برای متغیرهای زمینه ای تحقیق و احساس طرد اجتماعی نشان دهنده آن است که افراد مجرد احساس طرد بیشتری نسبت به افراد متأهل دارند و همچنین هرچه تحصیلات فرد و خانواده و درجه شغلی آنان بالاتر باشد احساس طرد اجتماعی آنان کمتر است. شایان ذکر است افراد ساکن در شهرهای بزرگ مانند تهران، نسبت به افراد ساکن در روستاها احساس طرد اجتماعی کمتری دارند؛ بنابراین می توان گفت وضعیت تأهل، محل سکونت، درجه شغلی و نیز تحصیلات می تواند احساس طرد مضاعف را برای افراد ایجاد نمایند.

درمجموع با توجه به یافته های پژوهش حاضر، بین میزان احساس طرد اجتماعی در افراد سنی و شیعه تفاوت چندانی وجود ندارد که این می تواند به شرایط فعلی افراد مربوط باشد. به عبارت دیگر، با توجه به اینکه نمونه مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه های تهران بوده است و بنا به شرایط تحصیلی از برخی امکانات

برخوردار بوده‌اند، خود را محروم از امکانات و فرصت‌ها ندانسته و یا دست‌کم به میزان زیادی از شرایط فعلی خود رضایت دارند و بنابراین احساس طرد کمتری نسبت به سایر هم‌مذهبان خود در شرایط متفاوت دارند.

با توجه به نتایج مطالعه، افراد بر اساس فرصت‌های دستیابی به موقعیت اجتماعی و نیز تحرک از سطوح مختلف موقعیت و پایگاه اجتماعی و اقتصادی (طبقات بالا، متوسط و پایین) احساس طرد اجتماعی را در سطوح مختلف تجربه می‌کنند. هرچه فرصت‌های دستیابی افراد و گروه‌ها به موقعیت‌های اجتماعی در جامعه بیشتر باشد، احساس طرد اجتماعی در آنان کمتر است و بالعکس هرچه فرصت‌های دستیابی به منابع و امکانات اجتماعی و موقعیت اجتماعی و فرصت تحرک اجتماعی در جامعه برای افراد و گروه‌ها کم‌تر فراهم شود، احساس طرد اجتماعی در آن‌ها تشدید می‌شود.

با توجه به نظریات مطرح‌شده در خصوص تأثیرگذاری مؤلفه‌های جمعیتی بر احساس طرد اجتماعی، عواملی مانند سن، نرخ عدم اشتغال، مسکن و غیره نیز می‌توانند محرکی برای افزایش یا کاهش طرد باشند. در این تحقیق میزان تحصیلات و مرتبه شغلی از جمله عوامل اثرگذار بر احساس طرد اجتماعی بودند.

منابع

- آرون، ریمون (۱۳۸۱). مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی. ترجمه باقر پرهام، تهران: علمی و فرهنگی.
- اخلاقی‌پور، منصور (۱۳۸۹). «بررسی جامعه‌شناختی فاصله اجتماعی بین شهروندان بومی با اقلیت‌های غیر بومی در شهر بندرعباس». پژوهش‌نامه فرهنگی هرمزگان، ۱(۵)، ۶۳-۹۴.
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۸۰). مسئله وحدت ملی و الگوی سیاست قومی در ایران. نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۳، ۱۷۷-۱۳۷.
- حبیب‌پورگابی، کرم و صفری‌شالی، رضا (۱۳۹۶). راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی. چاپ ششم، تهران: لویه.
- حمیدیان، اکرم؛ زاهدی، محمدجواد؛ ملکی، امیر و انصاری، ابراهیم (۱۳۹۴). «بررسی رابطه نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی و طرد اجتماعی گروه‌ها در کلان‌شهر اصفهان». دوفصلنامه جامعه‌شناسی اصفهان، ۴(۶)، ۳۲-۱.
- دواس، دی. ای. (۱۳۸۲). پیمایش در تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نی.
- زیبرا، مارتین (۱۳۸۵). نظریه‌های جامعه‌شناسی طردشدگان اجتماعی. ترجمه: سیدحسن حسینی، تهران: آن.
- زارع‌شاه‌آبادی، اکبر و بلغوریان، مستانه (۱۳۹۳). «بررسی رابطه طرد اجتماعی و بزهکاری در میان دانشجویان دختر دانشگاه یزد». مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۴(۲)، ۲۸۶-۲۶۵.
- شایگان، داریوش (۱۳۸۰). افسون زدگی جدید: هویت چهل‌تکه و تفکر سیار. ترجمه فاطمه ولیانی. تهران: فرزانه روز.
- طهماسبی، فردین؛ میرزایی، خلیل و فریدون، کامران (۱۳۹۱). «عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس نابرابری‌های اجتماعی و پیامدهای آن‌ها در شهر تهران». نشریه پژوهش اجتماعی، ۵(۱۴)، ۷۵-۱۰۰.
- عبداللهی، محمد و قادرزاده، امید (۱۳۸۳). «فاصله قومی و عوامل مؤثر بر آن در ایران». فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۰(۲۴)، ۳۶-۱.
- غفاری، غلامرضا و تاج‌الدین، محمدباقر (۱۳۸۴). «شناسایی مؤلفه‌های محرومیت اجتماعی». فصلنامه علمی، پژوهشی رفاه اجتماعی، ۴(۱۷)، ۵۲-۲۹.

- فکوهی، ناصر (۱۳۸۹). همسازی و تعارض در هویت و قومیت. تهران: گل آذین.
- فیروزآبادی، سیداحمد و صادقی، علیرضا (۱۳۸۹). «وضعیت طرد اجتماعی زنان فقیر روستایی». مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، ۱، ۱۷۴-۱۴۳.
- فیروزآبادی، سیداحمد و صادقی، علیرضا (۱۳۹۲). طرد اجتماعی؛ رویکردی جامعه‌شناختی به محرومیت. تهران: جامعه‌شناسان.
- قاضی‌نژاد، مریم (۱۳۸۹). طرد اجتماعی جوانان؛ علل و پیامدها. جلد دوم. تهران: مرکز مطالعات کودکان و نوجوانان دانشگاه الزهرا.
- قاضی‌نژاد، مریم و اکبرنیا، الهه (۱۳۹۶). «دین‌داری: مدارای اجتماعی یا فاصله اجتماعی (پیمایشی در میان مسلمانان و مسیحیان شهر تهران)». مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۶(۱)، ۴۰-۲۱.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۲). عصر اطلاعات پایان هزاره، مترجم احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
- غفاری، غلامرضا و امیدی، رضا (۱۳۸۹). «چرخش مفهومی و نظری از فقر به سازه مطرودیت اجتماعی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۴(۱۷)، ۶۶-۳۵.
- کرلینجر، فرد (۱۳۶۶). نگرش علمی در علوم رفتاری. عزت‌الله کیوان، نامه پژوهشکده، ۱۲(۱)، ۳۵-۱۹.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). راه سوم. ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: شیرازه.
- هزارجریبی، جعفر و آستین‌فشان، پروانه (۱۳۸۸). «بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی با تأکید بر استان تهران»، جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۰(۱)، ۱۴۶-۱۱۹.
- محمودزاده رضایی، سبحان (۱۳۹۱). زمینه‌های واگرایی فرهنگی و خشونت سیاسی در میان اهالی سنی مذهب بلوچستان، کردستان و منطقه ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
- محمدی، سوما (۱۳۹۶). قومیت، مذهب و فرصت‌های شغلی (مطالعه موردی: افراد ۱۵ تا ۶۴ شهر سنندج). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا (س)، تهران.
- نواح، عبدالرضا؛ نبوی، سیدعبدالحسین و حیدری، خیری (۱۳۹۶). «قومیت و احساس طرد اجتماعی، مخاطرات اجتماعی پیش رو (مورد مطالعه، قوم عرب شهرستان اهواز)»، جامعه‌شناسی ایران، ۱۷(۴)، ۷۴-۱۰۴.
- Amin, S. (2019). "The endless nexus between ethnic diversity, social exclusion and institutional quality of Pakistan". *International Journal of Sociology and Social Policy*, 39(3/4), 182-200.
- Bellani, L., & D'Ambrosio, C. (2011). "Deprivation, social exclusion and subjective well-being". *Social indicators research*, (104), 67-86.
- Bracic, A. (2022). "Ethnicity and Social Exclusion". *Nationalities Papers*, 1-12.
- Greve, B. (2002). "Is a supranational strategy for social inclusion possible?" *Research Paper from the Department of Social Sciences, Roskilde University*, (6), 1-23.
- Jirón, M., P., Lange, V.C., & Bertrand, S.M. (2010). "Exclusión y desigualdad espacial: Retrato desde la movilidad cotidiana". *Revista invi*, 25(68), 15-57.
- Kelles-Viitanen, A. (1999). "Social inclusion of vulnerable groups". In background paper for the ADB/World Bank Social Forum, Manila.
- Silver, H. (1994). "Social exclusion and social solidarity: Three paradigms". *Int'l Lab. Rev.* (133), 5-6.
- Wright, N., & Stickley, T. (2013). "Concepts of social inclusion, exclusion and mental health: a review of the international literature". *Journal of Psychiatric and Mental Health Nursing*, 20(1), 71-81.